



به بهانه‌ی پنجم شوال، سالروز شهادت سید جمال الدین اسدآبادی

اصلاحاتی که من می‌خواهم، باید طبق تعلیمات قرآن باشد...

اصلاحاتی که من می‌خواهم، باید طبق تعلیمات قرآن باشد
به بهانه‌ی پنجم شوال، سالروز شهادت سید جمال الدین اسدآبادی

گردآوری و تنظیم: رضا صابری خورزوقی

بنابر آنچه سید هادی خسروشاهی، در دو سند تاریخی، در مجله اطلاعات - حکمت، ویژه‌نامه سید جمال الدین اسدآبادی که در سال 1387 منتشر شده آورده است؛ سید جمال درباره چگونگی مفهوم اصلاحات از نظر اسلام و طرح سید در این رابطه، در مصاحبه‌ی آرتور آرنولد Arthar Arnald مدیر روزنامه پال مال گازاته: Pall Mall Gazett که در تاریخ 19 دسامبر 1891 م منتشر شده است؛ در پاسخ این پرسش که «؛ آیا اصلاحات در بین شیعه‌ها مشکل‌تر از اصلاحات در میان سنی‌ها نیست؟«؛ در بیان تفاوت میان مذهب تشیع و تسنن می‌گوید:

«؛ چون اصلاحاتی که من می‌خواهم، باید طبق تعلیمات قرآن باشد، وضع هر دو فرقه اسلامی تقریباً یکسان است. ولی چون مانع بزرگ پیشرفت، استبداد بوده و این نوع حکومت متأسفانه، تقریباً جزء مذهب سنی شده است در صورتی که در مذهب شیعه چنین نیست. یکی از اصول اساسی شیعه این است که هر نوع حکومتی، غیرقانونی و هر سلطان و حکمرانی، غاصب است و روی همین اصل، اصلاحات و از بین بردن استبداد در میان شیعه آسان‌تر است.«؛

سیدجمال از نگاه امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) در مورد سیدجمال و سرّ عدم موفقیت او چنین فرموده است: «؛ جمال الدین، مرد لایقی بوده است، لکن نقاط ضعفی هم داشته است، و چون پایگاه ملی و مذهبی در بین مردم نداشته، از آن جهت زحمات او با همه کوشش‌ها، به نتیجه نرسید، و دلیل بر این که پایگاه مذهبی نداشته است، این که چون شاه وقت (ناصرالدین شاه) او را گرفت و با وضع فجیع، تبعید کرد، عکس‌العملی (از سوی مردم) نشان داده نشد، و زحمات او، چون این پایگاه را فاقد بود، به نتیجه نرسید.«؛ (صحیفه امام، جلد 5، ص 290)

نگارنده: البته گمان نرود منظور امام خمینی (ره) این است که سیدجمال الدین اسدآبادی، غرب زده بوده یا مذهبی نبوده و به جناح دینداران تعلق نداشته است، بلکه منظور این است که سید جمال الدین اسدآبادی در میان جوامع اسلامی نفوذ عام و گسترده‌ای نداشته که بتواند توده مردم را به حرکت درآورد.

مذهبی بودن با پایگاه مذهبی در میان مردم داشتن، فرق دارد. سید جمال الدین اسدآبادی فردی شدیداً مذهبی و عالم دینی بود و به شدت نیز در راه اهداف اسلامی تلاش می‌کرد، ولی نفوذ کلام او مثل میرزای شیرازی نبود که بتواند با یک فتوای چند کلمه‌ای، انقلاب بزرگی به پا کند و استبداد داخلی و استعمار خارجی را شکست بدهد.

سید جمال الدین اسدآبادی از نگاه امام خامنه‌ای
حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای، در بخشی از مصاحبه خود با روزنامه جمهوری اسلامی که در تاریخ 30 خرداد 1360 منتشر شده است فرموده‌اند:

«؛ سیدجمال کسی بود که برای اولین بار بازگشت به اسلام را مطرح کرد کسی بود که مساله حاکمیت را و خیزش و بعثت جدید اسلام را اولین بار در فضای عالم بوجود آورد.... او مطرح کننده، به وجود آورنده و آغازگر بازگشت به حاکمیت اسلام و نظام اسلام است. این را نمی‌شود دست کم گرفت و سیدجمال را نمی‌شود با کس دیگری مقایسه کرد. در عالم مبارزات سیاسی، او اولین کسی است که سلطه استعماری را برای مردم مسلمان آن زمان معنا کرد قبل از سیدجمال چیزی به نام سلطه استعماری برای مردم مسلمان حتی شناخته شده نبود. او کسی بود که در ایران، در مصر، در ترکیه، در هند، در اروپا کلاً در خاورمیانه در آسیا و در آفریقا سلطه سیاسی مغرب زمین را مطرح کرد و معنا کرد و مردم را به این فکر انداخت که چنین واقعیتی وجود دارد و شما می‌دانید آن زمان، آغاز عمر استعمار بود چون استعمار در اول نشرش در این منطقه اصلاً شناخته شده نبود و سیدجمال اولین کسی بود که آن را شناساند. این‌ها را نمی‌شود دست کم گرفت. مبارزات سیاسی سیدجمال چیزی است که قابل مقایسه با هیچیک از مبارزات سیاسی افرادی که

حول و حوش کار سید جمال حرکت کردند نیست. «

سید جمال الدین بزرگ، اسلام خواه، شجاع، مبارز

امام خامنه‌ای در خطبه دوم نماز جمعه 15 بهمن 89 نیز به نقش بزرگ سید اشاره کردند و فرمودند:

« سید جمال الدین بزرگ، آن مرد اسلام خواه، شجاع، مبارز، بزرگ، بهترین جایی را که برای مبارزات خود توانست پیدا کند، مصر بود؛ بعد هم شاگردان او، محمد عبده و دیگران و دیگران. حرکات اسلام خواهی در مصر یک چنین سابقه‌ای دارد. «

سید جمال الدین اسد آبادی از نگاه شهید مطهری (ره)

شهید مطهری نیز درباره سید در کتاب بررسی نهضت‌های اسلامی در صد ساله‌ی اخیر می‌فرماید: « بدون تردید سلسله جنبان نهضت‌های اصلاحی صد ساله‌ی اخیر، سید جمال الدین اسد آبادی معروف به افغانی است. او بود که بیدار سازی را در کشورهای اسلامی آغاز کرد، دردهای اجتماعی مسلمین را با واقع بینی خاصی بازگو نمود، راه اصلاح و چاره جویی را نشان داد... نهضت سید جمال، هم فکری بود و هم اجتماعی. او می‌خواست رستخیزی هم در اندیشه‌ی مسلمانان به وجود آورد و هم در نظامات زندگی آنها... سید جمال در نتیجه‌ی تحرک و پویایی، هم زمان و جهان خود را شناخت و هم به دردهای کشورهای اسلامی که داعیه‌ی علاج آنها را داشت دقیقاً آشنا شد. سید جمال مهمترین و مزمن ترین درد جامعه‌ی اسلامی را استبداد داخلی و استعمار خارجی تشخیص داد و با این دو به شدت مبارزه کرد. آخر کار هم جان خود را در همین راه از دست داد. او برای مبارزه با این دو عامل فلج کننده، آگاهی سیاسی و شرکت فعالانه‌ی مسلمانان را در سیاست واجب و لازم شمرد و برای تحصیل مجدد عظمت از دست رفته‌ی مسلمانان و به دست آوردن مقامی در جهان که شایسته‌ی آن هستند، بازگشت به اسلام نخستین و در حقیقت حلول مجدد روح اسلام واقعی را در کالبد نیمه مرده‌ی مسلمانان، فوری و حیاتی می‌دانست. بدعت زدایی و خرافه شویی را شرط آن بازگشت می‌شمرد، اتحاد اسلام را تبلیغ می‌کرد و دست‌های مرئی و نامرئی استعمارگران را در نفاق افکنی‌های مذهبی و غیر مذهبی می‌دید و رو می‌کرد. «

شهید مطهری که از عالمان بیدار دل و درد آشنای جامعه ما است، آنجا که درباره اهداف اصلاح طلبانه سید جمال سخن می‌گوید، در این باره می‌نویسد: بازگشت به اسلام نخستین، دور ریختن خرافات و پیرایه‌ها و ساز و برگ‌هایی است که به اسلام در طول تاریخ بسته شده است. بازگشت مسلمانان به اسلام نخستین از نظر سید به معنای بازگشت به قرآن و سنت معتبر و سیره سلف صالح است. سید در بازگشت به اسلام تنها بازگشت به قرآن را مطرح نکرده است؛ زیرا او به خوبی می‌دانست که خود قرآن رجوع به سنت را لازم شمرده است؛ به علاوه، او به خطرات « حسبن کتاب الله «؛ که در هر عصر و زمانی، به شکلی، بهانه برای مسخ اسلام شده است، کاملاً پی برده بود. (نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، ص 22 - 21)

برخی ویژگی‌های سید جمال الدین اسدآبادی

برخی ویژگی‌ها و توانایی‌های سید جمال الدین اسدآبادی را میتوان اینگونه فهرست کرد: سید جمال الدین اسدآبادی آگاه به اوضاع زمان خود بود، دردهای جوامع اسلامی را به خوبی شناخته بود، بر نقش استعمارگران در انحطاط جوامع اسلامی آگاهی کامل داشت، بسیار پرتحرک و پر جنب و جوش بود، بسیار تیزهوش و روشن بین بود، در بیان و انتقال مفاهیم مورد نظر توانایی فوق العاده داشت، قدرت تاثیرگذاری اش بر مخاطبان، کم نظیر بود، در ایجاد ارتباط با محافل و کانون‌های مذهبی و غیرمذهبی، چیزی کم نداشت، غیر از قدرت بیان، از قدرت نوشتن نیز کاملاً برخوردار بود، با انواع مکاتب مذهبی و سیاسی در غرب و شرق آشنایی داشت، دلیر و شجاع بود، در انواع علوم زمان خود تبحر داشت، از این که درباره اهداف و آرمان‌های خود جانبازی و تحرکات پرفراز و نشیب انجام بدهد، کم مانند بود و شور و حال فراوان داشت، در ایجاد کردن تشکله‌ها و مدیریت کانون‌های مختلف ماهر بود، با سران و بزرگان زمان خود در شرق و غرب آشنایی و مراوده داشت، درجه پشتکار و استقامت و بردباری اش کم نظیر بود، بر زبان‌های فارسی و عربی و ترکی و انگلیسی و روسی و فرانسوی و... تسلط داشت و به همین دلیل به هر سرزمینی که می‌رفت، به خوبی با مردم و بزرگان آن سرزمین می‌توانست ارتباط برقرار نماید، خواست‌ها و اهدافش را با صراحت مطرح می‌کرد همچنان که مفسد دولت‌ها و جوامع اسلامی و معایب‌ها کانون‌های تاثیرگذار در میان جوامع اسلامی را نیز با روشنی و بدون هراس طرح می‌نمود، نگاه نافذ و سیمایی ابهت آمیز داشت و....

امان از جهل و خود شیفتگی‌های خارهای روئیده بر دیوار

اگرچه نمی‌توان انکار کرد که سید جمال الدین اسد آبادی هم مانند هر انسان غیرمعصوم دیگری حتماً اشتباهاتی داشته است؛ ولو اینکه کسی از اشتباهات او اطلاعی نداشته باشد ولی آیا می‌توان با چنین دیدگاهی این مرد بزرگ با این خدمات شایان را مورد هجمه و توهین و استهزاء قرار داد؟!«

یکی از این مدعیان بی‌سواد و خود شیفته؛ اخیراً در باره سید گفته است: «.....یه آدم ندید بدید هم مثل سید جمال الدین اسدآبادی پیدا میشه می‌گه من تو غرب اسلام دیدم مسلمون ندیدم تو شرق مسلمون دیدم اسلام ندیدم.....«

درحالی‌که اولاً؛ اصل این سخن صرفنظر از عمومیتش - اشتباه نیست و ثانیاً این دو جمله را، هم به سید جمال بزرگ نسبت داده‌اند و هم شاگردش محمد عبده و هم به مرجع بزرگ شیعه مرحو آیت الله العظمی بروجردی.

و بعد همین بی‌سواد خودشیفته بگوید: « چون سید جمال را یک فرد غرب زده! میدانم رسالت خود میدانم که به او توهین کنم!«

آیا شایسته است که همین خار روئیده بر دیوار؛ در واکنش به سخنان امام خامنه‌ای بگوید: « رهبری برای نقاط مثبت سید جمال آن فرمایشات را گفته‌اند ولی سید جمال در کل یک فرد غرب زده است.«

آری؛ امان از خود شیفتگی‌های خارهای روئیده بر دیوار

چرا سید را کشتند؟

سیدجمال الدین اسدآبادی منادی بیداری مسلمانان و بازگشت به اسلام و بدعت زدایی بود و اتحاد اسلام و پرهیز از تفرقه بین مذاهب اسلامی را تبلیغ می‌کرد و در آخر هم جان خود را در همین راه از دست داد. سیدجمال، اواخر عمر خود را در عثمانی سپری کرد و غیر مستقیم تحت نظر سلطان عبدالحمید، امپراتور عثمانی قرار داشت. وقتی خبر قتل ناصرالدین شاه توسط میرزا رضا کرمانی، از شاگردان سید جمال، به اسلامبول رسید، سلطان عبدالحمید، به هراس افتاد و دستور قتل سید جمال را داد و سرانجام در 19 اسفند 1275 برابر با 9 مارس 1897 او را مسموم ساختند و جنازه او را در قبرستان مشایخ اسلامبول به خاک سپردند. در سال 1324، فیض محمدخان، سفیر وقت دولت افغانستان در آنکارا، موافقت دولت ترکیه را برای نبش قبر سید بدست آورد بقایای جسد سید جمال‌الدین اسدآبادی را در تابوتی به کابل انتقال دادند.

جمال پرفروغ سیدجمال الدین اسدآبادی بر غشوه تاریک تاریخ معاصر جهان اسلام به سان خورشید فروزان میدرخشد و چهره نورانی سید با برخی حرکات و حرفها مشوه نخواهد شد.